

میراث کلاسیک اسلام از آثار فرانتر روزنتال، اسلام‌شناس برجسته با حضور احمد منزوی مورد نقد و بررسی قرار گرفت. علی‌رضا پورسید مترجم اثر یاد شده در مراسمی که با همکاری مجله بخارا در کافه تیترو برگزار شد، درباره روزنتال و اهمیت کتابش در پاسخ به علی‌دهباشی گفت: این کتاب نوشته اسلام‌شناس بسیار مشهوری است که در ایران چندان مورد توجه قرار نگرفته است. تنها کامران فانی در مقاله‌ای درباره «بیت الحکمه» در نشر دانش از کم‌شمار کسانی است که به او و آثارش توجه نشان داده است.

روزنتال در خانواده‌ای کلیمی به دنیا آمد و مانند بسیاری از اندیشمندان و پژوهشگران هم‌کیش خود برای درک بهتر آثار دینی رو به زبانهای سامی آورد. از این رو در زمینه فقه اللغة زبانهای سامی تحصیل کرد و موضوع رساله دکتری خود را «بررسی سنگ نبشته‌های تدمر (پالمیرا) انتخاب کرد. توجه روزنتال به زبان آرامی از میان زبانهای سامی بیش از همه بود و در نهایت به بررسیهای او درباره زبان عربی انجامید. شاید دلیل آن حجم کتابهای آرامی کتاب مقدس باشد.

در هر صورت در بررسیهای خود در بررسیهای غربی و متون خطی اسلامی، به مفهوم «علم» در اسلام علاقه‌مند شد و نتیجه این علاقه کتابی چون علم پیروزمند: مفهوم علم در جهان اسلام The Triumphant Knowledge: The Moslim Concept بود.

پورسید در ادامه برای تشریح بیشتر ویژگیهای آثار روزنتال ادامه داد: روزنتال خط سیر خاصی

را در بررسیهای خود اعمال نمی‌کرد، در نتیجه زمینه بررسی مسائلی که به افق بازتری در پژوهش نیاز دارد فراهم می‌شد. از این رو موضوعاتی مانند «بذله‌گویی» و یا مفهوم «آزادی» به کتاب یا مقاله‌ای می‌انجامید. اما «علم» بیش از موضوعات دیگر مورد توجه او قرار گرفت. رهیافت او در پژوهش زبان و ادبیات عرب بود، چنان که در میراث کلاسیک نیز ادبیات راه ورود او به زمینه‌های گوناگون علمی و فرهنگی است؛ یعنی به آثار این موضوعات از دید متنی ادبی می‌نگریست. روزنتال در این کتاب کوشیده موقعیت آثار اسلامی را روند جهانی علم به مصداق‌هایی که می‌آورد تبیین کند. او با چُنْگی که از کتابهای موضوعات مختلف به زبان عربی فراهم آورد، نشان داده است که چه سنخ کتابهایی در جهان اسلام ترجمه یا الهام گرفته از متون یونانی و لاتین هلنیستی هستند؛ البته بسیاری از متون به ویژه یونانی از ترجمه‌های سریانی به عربی برگردانده شده است. بدین سبب «بیت الحکمه» را در روند علمی جهان اسلام بسیار مهم می‌داند و از ستاره درخشان این سازمان، حنین بن اسحاق یاد می‌کند. در فصل مقدماتی کتاب درباره شیوه‌های ترجمه به ویژه در بیت الحکمه توضیح می‌دهد، و با آوردن گزیده متونی نشان می‌دهد که مترجمان چه مشکلاتی داشتند. از آن جا که رشته او فقه اللغه بود، مسائل ترجمه را از این دید نیز مورد توجه قرار می‌دهد. هدف کلی میراث کلاسیک، که اشاره به میراث فرهنگی و نوشتاری دوره پس از اسکندر تا فروپاشی و دو پاره شدن امپراتوری رم دارد، نشان دادن اندازه و امنداری اروپایی پس از سده‌های میانی به جهان اسلام برای شناخت آثار دوره «کلاسیک» است. از این رو در هر موضوع علمی، گزیده‌ای از هر کتاب می‌آورد تا تبار هلنیستی یا کلاسیک آن را مشخص می‌کند و تاثیر آن را در منتهای اروپایی سده‌های میانی یا پس از آن یادآوری می‌کند. در نتیجه کتاب برای نسخه‌شناسان، کتاب‌شناسان و کارشناسان متون خطی اسلامی، هلنیستی یا سده‌های میانی و پس از آن اهمیت زیادی دارد. اگر این وامداری نبود شاید اروپا از تمدن هلنیستی و هلنی تا اندازه زیادی محروم می‌ماند. همیشه مسئله سهم تمدنها در یکدیگر یا در تمدنهای کلی خود بحث‌انگیز بوده و شناسایی این سهم و وامداری تمدنها در یکدیگر از اهمیت زیادی برخوردار است.

احمد منزوی فهرست‌نگار و نسخه‌شناس نیز درباره تردیدها و مسائل مورد بحث درباره سهم فرهنگها و ادیان در تمدن بشری گفت: زمانی جرجی زیدان به نمایندگی بسیار از هم‌اندیشان خود اعلام کرد که شیعیان، که بیشترشان ایرانی بودند، در تمدن و فرهنگ اسلامی سهم چندانی نداشتند. از این رو پدرم شیخ آقا بزرگ تهرانی و دو تن دیگر، آیت‌الله سیدحسن صدر و شیخ محمدحسین کاشف‌الغضا با هم قرار گذاشتند که در برابر این ادعای ظالمانه دست به قلم ببرند. شیخ آقا بزرگ زبده و بعد از آن اعیان الشیعه را آغاز کرد که تا پایان عمرش دست از آن برنداشت و در کار چاپ تنظیم و ادامه آن، برادرم دکتر علی‌نقی منزوی و من دستیار پدرم بودیم. همین امر موجب شد که من

نیز در پی برادرم به فهرست نگاری روی آورم. همان گونه که پدرم هدفش برجسته کردن سهم تشیع در جهان اسلام بود، امروز هم برای شناساندن سهم زبان فارسی تا آن جا که از عهده برمی آیم، یعنی حوزه فهرست نگاری «با تجربه هایی که از همکاری با برادرم دکتر علی نقی منزوی و دکتر افشار اندوخته ام، در «مرکز دائرةالمعارف بزرگ اخلاقی» فهرست واره کتابهای فارسی را در دست دارم. این کار را دنباله کار پدرم، ذریعه، می دانم، چنان که برادرم نیز فهرستهایی مانند فهرست کتابهای خطی کتابخانه ملی را نوشته است.

پلاسید نیز افزود: در ترجمه میراث کلاسیک سعی کرده ام تا اندازه ای با یکی دو پانوش، در حد توانم، به سهم ایران پیش از اسلام در تهران اسلامی پردازم. روزنتال حتی اشاره ای برای نمونه به «باب برزویه طیب» در کلیله و دمنه در بخش پزشکی نداشت؛ البته کتاب درباره سهم تمدن هلنیستی در تهران اسلامی است، اما در همین گونه متون نیز تاثیر به ویژه به گنوستیسیم که از نمودگارهای بارز آن مانویت است، اشاره داشته باشم. وقتی، برای نمونه، اصطلاح «پدر بزرگی» را می بینم با قاطعیت در می یابم که این تاثیر مانویت است. کوشیده ام از یادآوری این گونه نکات در کتاب دریغ نکنم. اما گشتن و یافتن تاثیر متنها ایرانی پیش از اسلام از کاری که در میراث کلاسیک انجام شده، بسیار سخت است؛ مگر متون مانوی. البته همین متون مانوی هم مانند دیگر متون فارسی میانه از میان رفته است یا بسیاری از نسخه های این متون به پس از اسلام تعلق دارند که تعیین تاثیر و تاثر فرهنگ و تمدن پیش و پس از اسلام را مشکل می کند.

در پایان پلاسید درباره مشکلات پیدا کردن وصل متون گفت: بخش بیشتر متنها ویراسته، چاپ حتی برخی ترجمه شده اند. متنهایی که ترجمه نشده بودند با توجه به اصل عربی از انگلیسی ترجمه کرده ام متنها ترجمه شده را به همان صورت تنها با اعمال رسم الخط و سجاوندی آورده ام؛ ولی بودند متنهایی که تنها نسخه ای منحصر به فرد از آن در دست بود که دسترسی بدان تقریباً ممکن نبود، از این رو به ناچار به متن انگلیسی بسنده کردم. امید دارم زمانی برسد که داد و ستد تصویر نسخه ها و کتابها از ایران با دیگر کشور و نیز در خود کتابخانه های ایران آسان شود.